

۲۰۱۰۴۴۷

حوا خودش بهشت است

نگاهی به زندگی، شعر و طنز عمران صلاحی

تحقیق و نگارش: داریود ملک‌زاده



انتشارات آرادمان

سرشناسه	ملک‌زاده، داوود، ۱۳۶۱ -
عنوان و نام پدیدآور	حوا خودش بهشت است : نگاهی به زندگی، شعر و طنز عمران صلاحی /
مشخصات ظاهری	تحقیق و نگارش داوود ملک‌زاده. مشخصات نشر : تهران : آرادمان، ۱۳۹۷.
شابک	978-600-8099-68-0 : ۱۷۰ ص.
وضعیت فهرست نویسی	فیبیا
موضوع	صلاحی، عمران، ۱۳۲۵ - ۱۳۸۵. -- نقد و تفسیر
موضوع	شعر فارسی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد
موضوع	Persian poetry -- 20th century -- History and criticism
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۷ ۸۷/۲۲/۸۱۳۴ PIR
رده‌بندی دی‌سی	۶۴۱/۶۲ :
شماره کتابشناختی	۵۴۳۰۲۰۲ :



تکثیرات آرادمان

حوا خودش بهشت است

نگاهی به زندگی، شعر و طنز عمران صلاحی

- تحقیق و نگارش داوود ملک‌زاده
- ناشر: آرادمان
- اجرا و امور فنی: ف. فرقاتی
- طرح جلد: معصومه میرزایی
- نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸
- نشانی: تهران صندوق پستی ۱۸۷-۱۳۳۵۵

www.aradman.ir

@aradmanpub

• تیراژ: ۵۰۰ نسخه

• قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

• چاپ و صحافی: طهرانی

رسم‌الخط این کتاب با نظر مولف تنظیم شده است

این کتاب با همکاری انتشارات بلم منتشر شده است

شابک ۰-۶۸-۸۰۹۹-۶۰۰-۹۷۸-0-978-600-8099-68-0 ISBN

فهرست

۹	مقدمه
۱۵	نگاهی گذرا به زندگی عمران صلاحی و آثار او
۲۱	طنز و تفاوت آن با هجو و لطیفه
۲۵	اظهار نظر شاعران و نویسندگان درباره عمران
۳۳	پیرامون غزل سرایی صلاحی
۵۱	ترانه سرایی عمران
۵۵	رباعیات
۶۵	نگاهی به مجموعه شعرهای فارسی عمران صلاحی
۱۲۳	اشعار ترکی صلاحی و نگاهی به مجموعه های ترکی او
۱۴۷	آیا عمران صلاحی شاعر طنزپرداز است؟
۱۶۱	آیا باید همه ی آثار یک شاعر منتشر شود؟
۱۶۵	منابع و مآخذ

مقدمه

اگر این جمله را بپذیریم که: «هجو محصول دوران آزادی است و طنز محصول دوران خفقان» می‌توان چنین بیان کرد که طنز (در معنی گزنده و انتقادی) در طول ادب فارسی، از ابتدا تا به امروزیت، بسیار خاص و محدود بوده به طوری که می‌توان مدعی شد که در سنت ادبی می‌جیزی به نام «انتقاد» وجود نداشته، و آنچه بوده هجو نام داشته که با تندی بسیار مطلق می‌شده و معمولاً با غرض همراه بوده است؛ بنابراین شخص هجوشونده، پذیرش چنین سخنانی را بر نمی‌تافت. رابطه‌ی شاعران و سلاطین همواره بر تایید و تعریف و تمجید و مدح بوده و شاهان ظرفیت شنیدن نقد را نداشتند و شاعران هم یارای خلاف طبع آنان سخن گفتن را. اگر هم شاعری پیدا می‌شد که از حاکم یا سلطانی انتقاد می‌کرد از چند حالت خارج نبود یا باید دست از جان می‌شست و یا مثل فرخی یزدی و هلالی زنده‌نمانی باید شکنجه می‌شد و جان از کف می‌داد. و یا باید جزو شاعرانی می‌شدند که می‌دریختند و در کف دربار دیگری سنگ هجو و انتقاد، را به طرف سلطان مورد نظر پرتاب می‌کردند.

پس می‌بینیم که انتقاد در گذشته، به صورت کلی و عمومی بوده و «به سلت نبودن آزادی» بیان، طنزنویس در عین حال که می‌خواسته است شخص مورد نظر را متنبه سازد، می‌توانسته است از انتقام و خشم او در امان باشد. اشعار انتقادی که اغلب در کشورهای اروپایی به انواع مختلف طنزنویسی بیان گشته است، در ایران به خاطر شرایط اجتماعی و همچنین به علت وجود سنتی پایه‌دار و قدیمی در شعر پندآمیز و

اهمیت خاصی که نهضت تصوف در فرهنگ و ادبیات کشور ما داشته است، بیش تر به صورت اشعار پندآمیز عرضه شده و غالباً آمیخته به طنز است. اکثر موارد شاعران و نویسندگان از صاحبان قدرت به طور کلی انتقاد می کنند، و فقط در بعضی از شخص خاصی اسم می برند. البته از کسانی که دایره ی قدرت شان محدودتر است به وضوح و صراحت بیش تری انجام می گیرد، و امیران، حاکمان و قاضیان از این دسته اند.» (جوادی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۹)

عمران صانعی، پیرهای ست که چهار دهه فعالیت در عرصه ی شعر و نثر (داستان و فکاهه نویسی، مطبوعات)، ترجمه، پژوهش و حتا کاریکاتور را در کارنامه ی خود دارد. در این میان زبانی پیر تر به «طنزپرداز» شهرت دارد و جامعه ی ادبی او را زیر این عنوان می شناسند. حال وقتی ما به طنز در آثار عمران صلاحی مطرح می شود، ما با کسی مواجه هستیم که عنصر «طنز» را در شعر و نثر به کار می برد. طنز صلاحی در نثر متفاوت است از آنچه در سرری اتفاق می افتد به طوری که در نثر عمدتاً طنزهای کلامی و مفهومی را به کار می برد و نوشته های او در ستون نشریات، - و از منظر ارزش ادبی - تا حد یک لطیفه هم تنزل پیدا می کند، اما طنزی که در شعر عمران هست طنزی ست فاخر که خواننده در مواجهه با آن خنده می زند و رفته رفته این خنده، تبدیل به زهرخند و حتا گریه می شود. برای مثال در شعر معروف وی با نام های «من بچه ی جوادیام» و «عیادت» نمونه ی بارز طنزهای سیاه اجتماعی ست و به بهترین شکل نمود پیدا کرده است.

با مطالعه ی مجموعه ی شعرهای صلاحی به این نتیجه می رسیم که عنصر طنز در ابتدا توسط عمران آن چنان جدی گرفته نمی شد یا در کار او بود و خود آن را به عنوان یک ویژه گی در شعرهایش کشف نکرده بود. از این نظر در شعرهای اولیه ی او که محصول سال های ۴۰ و ۵۰ است ما با رگه هایی از طنز مواجه ایم. اما توجه او به روی دادهای اجتماعی در همان آغاز شاعری و آرمان خواهی و پرداختن به آن بیش تر از عنصر طنز در آثارش مشهود است.

«طنز در لغت به معنای مسخره کردن و طعنه زدن و در اصطلاح، شعر یا نثری است که در آن حماقت یا ضعف‌های اخلاقی، فساد اجتماعی یا اشتباهات بشری با شیوه‌ای تمسخرآمیز و اغلب غیرمستقیم (یا به تعبیری خودگویانه) بازگو می‌شود». (میرصادقی، ۱۳۷۳، ص ۱۸۰) معادل این واژه در زبان انگلیسی واژه‌ی satire است که از satura (در اصل به معنای غذای کامل) مشتق شده است. این واژه در ابتدا به شعرهایی دوازده هجایی با درون‌مایه‌ای خاص اطلاق می‌شد. (اصلانی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۰)

هنگامی که کلمه‌ی طنز مطرح می‌شود، کلمات دیگری مثل هجو، هزل، فکاهه و ... نیز در ذهن متبادر می‌کند. اما رابطه‌ی این‌ها با هم چه‌گونه است، چه تعریفی دارند و چه درج‌ای در سلسله ادب دارند و ارزش کدام بیش‌تر است؟ پاسخ همه‌ی این سوال‌ها در تعاریفی است که از این واژه‌ها می‌شود. اگر بخواهیم معنای این کلمات را به طور ساده دریابیم و باید گفت: «هجو» یعنی برشمردن عیب و نقص از روی غرض شخصی و آن ضد مدح است. طبعاً یعنی برشمردن عیب و نقص از روی غرض اجتماعی و آن صورت تکامل یافته‌ی هجو است. هرگاه کسی شوخی‌ریزیک به خاطر تفریح و نشاط بعضی از آدم‌ها و آن ضد جد است. نکته: یعنی خند طبعی کردن و شوخی معتدل به خاطر تفریح و نشاط و آن صورت تکامل یافته‌ی هزل است. (علومی، ۱۳۸۶، صص ۱۱۰ و ۱۱۱) بنابراین «هجو و هزل و طنز با هم تفاوتی ندارند. هجو و هزل غالباً با زشتی و رکاکت لفظ و دشنام و عدم رعایت عفت آدم همراه است، و قصد شاعر در بیان آن‌ها برانگیختن خنده و مسخره کردن است، اما هدف در طنز، گویی تنها خنداندن نیست، بل که نیش‌خند است و نیش‌خند طنز غالباً کنایه‌آلود و همراه با خشم و قهری است که با خودداری‌ی حکیمانه‌ای می‌باشد، طنز با نوعی تسلیم و تمکین نفس همراه است، ولی هجو و هزل این گونه نیست و خودداری نمی‌شود.» (حکیمی، ۱۳۸۸، ص ۳۴) به این ترتیب و با توجه به این‌که مقصود شاعر در هزل و هجو به شکل عریان و سطحی مطرح می‌شود و در طنز به صورت پوشیده و کنایه‌آمیز است؛ «هجو و هزل وقیح و زشت‌گونه است، ولی طنز متین است. هزل بیش‌تر قصد خنداندن دارد ولی طنز، در پی خنده‌اش عبرت است و با نادرستی می‌ستیزد. هزل به

ناهنجاری موجود فقط می‌خندد» (همان) اما طنز ناهنجاری را برجسته می‌کند و ضمن خنده به آن، در پی راه‌کاری برای برطرف کردن مشکل به وجود آمده است. گفتم طنز، صورت پیشرفته‌ی هجو است که شکل اجتماعی به خود گرفته است. این از این طنز هنری‌تر و متعالی‌تر از هجو است، چون انتقادی که در آن است، منافع عمومی را مد نظر دارد، از این رو «طنز، زاده‌ی غریزه‌ی اعتراض است، اعتراضی که بدبای به هنر شده است.» حال «اگر بپذیریم نگاه نقادانه‌ی طنز، موقعیتی را ایجاد می‌کند تا طنزنویس به ناپسامانی‌های اجتماع بپردازد و اگر بپذیریم طنز به وارونه نگریستن ارزش‌های قراردادی و در بیش‌تر موارد بی‌پایه توجه دارد؛ آن وقت به خوبی می‌توانیم این مزیت را مشخص کنیم و حد و حدودش را بشناسیم و به راحتی پی خواهیم برد آن چیزی که در جوامع بسته و سطحی‌نگر به عنوان طنز و در قالب خنده معرفی می‌شود جز ویران کردن ذهن یک ملت، جز پایین آوردن ذوق و سلیقه‌ی مخاطب و در یک معنا جز هجو جوک نمی‌تواند باشد.» (صلاحی، گفت‌وگو با عمران صلاحی، ۱۳۸۷، صص ۱۱ و ۱۲)



این پژوهش تقریباً در سال ۸۹ انجام گرفته است و بعد از آن همواره بازنگری و بازخوانی شده و ای بسا نکته‌هایی به آن افزوده شده چنان‌بایی از آن کم شده است. نکته‌ی جالب و در عین حال عجیب این‌که تنها پس از هشتاد و یک ماه از اتمام پژوهش در آن سال، سه کتاب از عمران صلاحی چاپ شدند:

۱. من ودا می‌خوانم (۱۳۸۹)، نشر امروز

۲. در زیر آسمان مزامیر (۱۳۸۹)، امروز

۳. پشت درِ بچه‌ی جهان (۱۳۸۹)، مروارید

دو کتاب اول، مجموعه‌هایی هستند که عمران، سال‌ها پیش آن‌ها را نوشته و به نوعی کتاب‌هایی بودند آماده‌ی چاپ؛ اما هیچ‌وقت این کار را نکرد. «من ودا می‌خوانم» سروده‌های سال ۱۳۶۳ و «در زیر آسمان مزامیر» شعرهای ۱۳۶۷ هستند. «پشت درِ بچه‌ی جهان» - همان‌طوری که روی جلد هم قید شده - «شعرهای چاپ‌نشده‌ی

شاعر است. بعد از مطالعه‌ی این سه کتاب، به این نتیجه می‌رسیم که عمران با علم و آگاهی، از خیر چاپ این آثار به صورت گذشته است. بنا بر این در بخش نقد کتاب‌های عمران صلاحی، از بررسی جز به جز این سه اثر صرف نظر کرده‌ایم؛ در عوض در بخش «آیا باید همه‌ی آثار یک شاعر و نویسنده منتشر شود؟» به بررسی کلی این موضوع پرداخته‌ایم و اشعار منتشرنشده، به ویژه غزل‌ها و رباعیات عمران در بخش‌های مربوطه آمده است.

بعضی از صاحب‌نظران و منتقدان شعر، نظرشان این است که فعالیت عمران صلاحی در عرصه‌های مختلف ادبی، جزو نکات ضعف کارنامه‌ی شاعر محسوب می‌شود و این سخن منطقی بی‌راه نیست چرا که از این شاخه به آن شاخه پریدن، انرژی هنرمند (شاعر) به جای تمرکز، تقسیم می‌کند.

عمران صلاحی علاوه بر شعر و طنز، در زمینه‌ی پژوهش، داستان کوتاه، رمان و ... هم طبع آزمایی کرده است. هر از گاه آن قدر کفاف نمی‌دهد که در همه‌ی حوزه‌هایی که دوست دارد فعالیت کند، بلکه باید بهترین‌ها را انتخاب کند و در راستای آن‌ها به فعالیت بپردازد. با این حال هیچ قطعی وجود ندارد که بگوییم که طنز یا آن‌های دیگر، مانع شعر عمران صلاحی شده است. به اعتقاد من عمران صلاحی جزو معدود شاعرانی است که دنیای شعر و زندگی را بر خود سخت نگرفت. این بحث (تنوع‌طلبی عمران) در عرصه‌ی شاعری، خود بحث دیگری است. این که وی تا آخرین لحظات زندگی‌اش همچنان نیمایی می‌نوشت، رباعی و دوبیتی می‌سرود، غزل می‌گفت و حتی قصیده می‌ساخت؛ و به زعم خودش از همه‌ی آن‌ها لذت می‌برد.



اما علت پرداختن به موضوع «طنز در اشعار عمران صلاحی»، در درجه‌ی اول، انتشار دادن جای‌گاه شعر در اشعار وی بوده است. دیگر این که آن طور که از آثار منتشرشده‌ها و ویژه‌نامه‌هایی که برای وی گردآوری شده است کمتر در خصوص «شعر» وی سخن به میان آمده است و به خصوص پس از مرگ صلاحی، یادداشت‌ها بیش‌تر به سمت خاطرات شخصی و حرف‌های احساسی، سوق پیدا کرده، و نکته‌ها و گفته‌ها، کمتر

جنبه‌ی پژوهشی داشته است. در این بین لزوم پرداختن دقیق به شعرهای عمران صلاحی، این فرصت را پیش می‌آورد تا به کشف زوایای جدید پیرامون شعر و طنز عمران صلاحی برسیم.

نکته‌ی پایانی در خصوص این کتاب، آمدن اشعار عمران صلاحی، در ضمن زسل‌هاست. برای مثال رباعی‌ها، غزل‌ها و شعرهای ترکی در پایان فصل‌های مربوط به آن‌ها درج شده است. اشعار مشهور دیگر عمران صلاحی، مثل «عیادت» (مرگ)، «بچه‌ی جوادیه»، «مرا به نام کوچک‌ام صدا بزن!» و خیلی دیگر از شعرهای نو، در ضمن آثار در زسل «نگاهی به مجموعه‌ی شعرهای فارسی عمران صلاحی» آمده است. این کار برای جلوگیری از تکرار مجدد شعرها و افزایش حجم غیرضرور کتاب بوده است و این که از نظر موضوعی، دست‌رسی به اشعار، راحت‌تر صورت بپذیرد. امید که این اثر بتواند در این راستا موثر واقع شود و برای کسانی که قصد دارند به بررسی بیش‌تر در این حوزه بپردازند مفید واقع شود.

داوود ملک‌زاده